

به نیجان در رساند **قطعه** که بجزر خطاب قهر کند
 اینبار چه جای معذرتست برده از روی لطف
 گوید دار کاشفیا را امید مغفوت است هر که
 بتادب دنیا راه صواب نکیر و بتعذیب عقی
 گرفتار آید و لذت قهرت هم من العذاب الابدی
 دون العذاب الاکبر بندست خطاب امیران
 انکه بند چون بند نشوی بند نشوند **بند** نیک سخنان
 بحکایت و امثال سنیان بند گیرند و از مصائب
 این گردن زیش از آنک بسینان بواقعه او
 مثل زنده و در دانه دست کوتاه نگنند نادرست
 ایشان کوتاه نگنند **قطعه** نرود مرغ نسوی دانه
 فراز چون در مرغ بیند اندر بند بند گیر از خصما
 در کوان تا نگیرند دیگران بتوبند **حکمت** آنرا که
 کوش ارادت آفریده اند چون کند که نشود و آنرا که
 بکنند سعادت کشیده اند چون کند که نرود **شعر**
 شب تاریک دوستان خدای می تبا بر جور روز
 رخساره وین سعادت بزوز بازو نیست و ز
 در سر و پیشانی

تا بنشد خدای بختنده **رباعی** از تو بکه نالم
 که در کوه اور نیست و ز دست تو هیچ دست
 بالانز نیست از آنکه توره و سی کسی کم نکند
 و از آنکه تو کم کنی گمش ره بر نیست **نکته**
 کدای نیک انجام به از یاد شاه بد روز جام
مشق غمی که زینش شادمانی بری به از شاد
 که زینش غم خوری زمین را از آسمان نثار
 و آسمان را از زمین غبار عیب گوید کل آناه
 پتر شیخ با فیه **بیت** کت خوی من آمد ناسزا وار
 تو خوی نیک را از دست مگذار حق جل
 و علامی بیند وی پوشد و همای به نمی بیند
 و می خورند **بیت** نعوذ بالله اگر خلوع عیب
 دان بودی کسی بحال خود از دست خلوع
 ناسودی ز راز معدن بکان کندن بر آید
 و از دست خیل بحال کندن بر نیاید **قطعه**
 دونان خورند کوش دارند گویند امید به که
 خورده روزی بی بی بکام دشمن ز راه نره